



تربیت، آنچه که هست

اصول مهم ارزشیابی

آری یا نه

دست گیری یا مچ گیری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی پردیس فاطمه الزهرا علیها السلام اصفهان

مدیر مسئول: سارا جهانبخش

سر دبیر: زهرا قاسمی

هیات تحریریه: مطهره اشراقی - الهه جعفری -

زهرا رحمانیان - فاطمه کاظمی - میترا کرمی - الهه

محمدی - زهرا میرزایی - فاطمه هادی - زهرا یزدانی

ویراستاران: زهرا رضایی - نجمه یادگاری

طراح: مهری ناعم اصفهانی

بسیج دانشجویی پردیس فاطمه الزهرا علیها السلام اصفهان

۱۵ اصول مهم ارزشیابی
۱۶ دانشجو معلم یا رانت خوار!
۱۹ معلم خرید خدمات، سربار آموزش و پرورش؟!

فصل سوم

۱۱۱ آری یا نه

۱۱۳ مدارس غیر انتفاعی، عدالت آموزشی یا شکاف طبقاتی؟

۱۱۵ دست گیری یا مچ گیری؟

۱۱۷ تادو هزار وُسی!

۱۱۹ صدای دانشجو

۱۲ سخن مدیر مسئول
۱۴ تربیت، آنچه که هست

سخن مدیر مسئول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ

خدا، نور پدیدآورنده‌ی آسمان‌ها و زمین است،

نور هدایت و معرفت الهی...

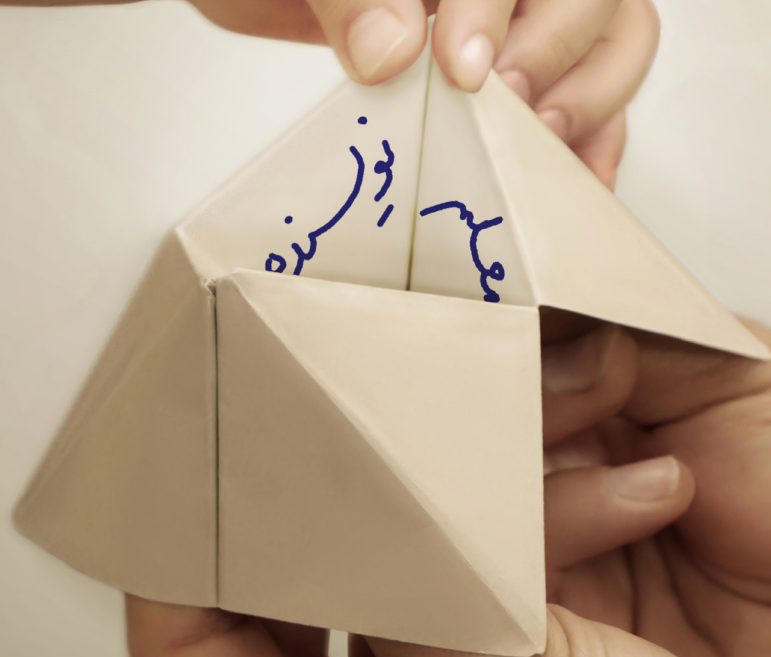
والحمد لله رب العالمین

و خدا رب است، مربی ست.

مفتخریم که در دومین شماره از گاهنامه‌ی مشکات، میهمان نگاه‌های شما معلمان و دانشجو معلمان باشیم. شما معلمان جامعه در حقیقت - به معنای واقعی کلمه، نه به عنوان تعارف - افسران سپاه پیشرفت این کشور هستید (مقام معظم رهبری) ما، در مشکات در تلاشیم که در راستای کسب و ارتقای هویت و مهارت معلمی، و دانستن آنچه که هستیم و باید باشیم، گام برداریم.

تردست، آنچه که هست

فاطمه هادی / پردیس فاطمه الزهرا علیها السلام



در گستره‌ی بی‌کران هستی و جذبه‌ی پرشور حیات، نقطه‌ی اوج رشد و کمال انسان، رسیدن به مقام قرب الهی و جلب رضایت حق تعالی است. پیامبران و حجت‌های الهی برای رسیدن به چنین کمالی، آیات حق را بر انسان‌ها می‌خواندند تا پرده‌های غفلت و غرور از اندیشه و دل‌ها بزداید و رسالت خود را در عمق جان‌ها بنشانند. تعلیم و تربیت محور اساسی برای ارتقای حیات انسان‌هاست.

اسلام برای تعلیم و تربیت اهمیت خاصی قائل است؛ چنان‌که هر جا سخن از ارسال رسولان به میان می‌آورد، تعلیم و تربیت و تزکیه را برنامه‌ی اصلی آنان معرفی می‌کند.

خداوند متعال برای انسان مقرر فرموده است که به اختیار خود و با پیروی از دستورات پیامبران و برنامه‌های آسمانی و با کوشش و تلاش به دنبال کسب تعلیم و تربیت باشد و به مقام شایسته‌ی انسانی برسد. تربیت در اسلام یکی از بنیادی‌ترین پایه‌های دین است. مقام معظم رهبری در مورد تعلیم و تربیت فرمودند: تربیت، پیش از تعلیم انسان را به حرکت در می‌آورد. همچنین در مورد اولویت پرداختن به ارزش‌های اخلاقی می‌فرمایند:

«ما ارزش‌های اخلاقی و معنوی را برای جوانان ضروری می‌دانیم که اهمیت آن بیشتر از علم است و معتقدیم انقلاب ما به خاطر همین ارزش‌ها بوده است.»

از این رو رهبر معظم انقلاب در ارائه طرح آموزشی مناسب، توصیه می‌کنند که تواضع، اخلاص، مهربانی در رابطه با بندگان خدا، صلابت در مقابل دشمنان خدا، فداکاری و اصالت ندادن به مال و مقام و گذشتن از جان فرزندان و آسایش و سلامتی خود برای رضای خدا از اساسی‌ترین جوهرها و بالاترین ارزش‌هایی است که برای آن باید خود را به زحمت بیندازیم و تلاش کنیم و در آموزش‌های خود و در عمل آن را به کار بگیریم.

ایشان اخلاق اسلامی را رکن اساسی تربیت انسان

معرفی کرده و فرموده‌اند که یک انسان مسلمان فقط آن نیست که اعتقاد اسلامی داشته باشد و عمل نظامی انجام دهد، بلکه اخلاق اسلامی و کنش سیاسی آن است که انسان مسلمان بایستی در هر سه بعد تربیت، دانش و عمل کار کند. ایشان به فرهنگ تعلیم و تربیت به عنوان مسئله اول نظام اسلامی تاکید کرده و فرمودند:

«در بلند مدت هیچ چیز به اندازه‌ی تعلیم و تربیت اهمیت ندارد، نقش معلم و مربی در جامعه ما نقش تراز اول است. در حقیقت سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی و قلدری شیاطین سیاسی، الان در همین مدرسه، تعلیم و تربیت و فرهنگ است.»

همچنین ایشان تحول در نظام آموزش و پرورش کشور را نیاز اساسی و ضرورت اجتناب ناپذیر دانسته و تاکید می‌کنند آموزش و پرورش باید برای ایجاد تحول، با استفاده از نیروهای فکری کارآمد، فلسفه نظام تعلیم و تربیت را بر اساس هویت دینی و ملی تبدیل کند و نظام آموزش و پرورش را بر مبنای آن تغییر دهد. همچنین اشاره کردند که وجود چنین اراده‌ای برای تحول در نظام تعلیم و تربیت بسیار مهم و ارزشمند است. اگر کشور و ملتی خواهان عزت مادی، سعادت معنوی، برتری سیاسی، پیشرفت علمی و آبادانی است باید به آموزش و پرورش به عنوان فعالیتی بنیادی، توجه جدی کند؛ زیرا نیروی انسانی لازم برای تحقق اهداف والا، محصول نظام آموزش و پرورش است.

اصول مهم ارز رسانی

فاطمه کاظمی / پردیس فاطمه الزهرا علیها السلام



ارزشیابی، میزان تحقق اهداف آموزشی را در فرآیند یاددهی - یادگیری نمایان می‌کند. به زبان ساده‌تر، می‌توان با ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان متوجه شد که اهداف آموزش و پرورش تا چه حد تحقق یافته است. به طور کلی ارزیابی، یک سری اصول و قوانین دارد که در اینجا به مهم‌ترین آنها پرداخته و به این سوال پاسخ می‌دهیم که «یک ارزیابی خوب باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟»

۱- ارزیابی باید فعالیت محور باشد. درس‌سنجش عملکرد دانش‌آموز، تنها توجه به نتیجه‌ی ارزیابی و امتحان، اطلاعات درستی به ما نمی‌دهد. فعالیت محوری یعنی اینکه در تمام مدت انجام فعالیت، دانش‌آموز مورد ارزیابی قرارگیرد. معلم باید به فعالیت دانش‌آموز بها بدهد نه به نتیجه‌ی امتحانی که ممکن است فقط تکرار حفظیات بوده و یا تقلب و بسیاری از عوامل دیگر در آن تاثیرگذار بوده است.

۲- یک ارزشیابی خوب باید فضای رقابتی سالم به وجود آورد. ارزیابی نباید به گونه‌ای باشد که به جای رقابت سالم، آتش حسادت را بین دانش‌آموزان شعله‌ور کند. ارزیابی درست باعث شکل‌گیری انگیزه‌ی رقابت صحیح با دیگران در دانش‌آموز می‌شود و مهم‌تر از آن، دانش‌آموز را به سمت درس خواندن سوق می‌دهد که با خود رقابت کند و هر روز نسبت به دیروز خود رشد کند. در اینجا نقش معلم بسیار پررنگ است؛ چرا که معلم می‌تواند بابت اهمیت جلوه دادن نمره و پراهمیت کردن امر یادگیری در فراگیران، حسادت را از بین ببرد.

۳- در ارزشیابی باید دانش‌آموز نقاط قوت و ضعف خود را بشناسد. ارزیابی که فقط نقاط ضعف را بیان کند باعث سرخوردگی و کاهش اعتماد به نفس فراگیر می‌شود. همچنین اگر

فقط بر نقاط قوت تمرکز شود، اولاً در دانش‌آموز ایجاد توقع کاذب نسبت به خود کرده و باعث غرور او می‌شود؛ و دوماً با پنهان کردن نقاط ضعف، راه‌رفع آنها و پیشرفت را بروی می‌بندد.

۴- ارزشیابی باید مستمر باشد. معلم باید به طور دائم عملکرد دانش‌آموز را بسنجد تا ضمن مرور مطالب و مهارت‌های تدریس شده، از نقاط ضعف یادگیری دانش‌آموزان و نیز نقایص تدریس خود با خبر شود.

۵- ارزشیابی باید کاربردی باشد. به این معنا که بتوان از نتایج آن در بهبود عملکرد نظام آموزشی استفاده کرد. وگرنه آزمونی که بدون توجه به این اصل برگزار شود، پوچ و بی‌اثر خواهد بود.

۶- ارزیابی باید دربرگیرنده‌ی فعالیت‌های گروهی باشد. علاوه بر آزمودن اختصاصی فراگیر، باید عملکرد او در گروه هم مورد بررسی قرار گیرد. بی‌شک یکی از ابعاد مهم شخصیتی هر انسانی، بعد اجتماعی و تعامل او با جامعه است. مدرسه مهم‌ترین مکانی است که کودک را اجتماعی می‌کند و می‌تواند به او کمک کند تا در آینده مشارکت فعالی در امور اجتماعی داشته باشد.

اصول ارزشیابی بسیارند که در این نوشته به اختصار به آن پرداختیم. ما معلمان آینده باید با به کارگیری اصول صحیح، روش‌های ارزیابی قدیمی را که اغلب برای دانش‌آموزان رعب‌آور است کنار گذاشته و با برقراری رابطه‌ی عاطفی با دانش‌آموزان، فرآیند یادگیری و ارزشیابی را برای آنها آسان و دوست‌داشتنی کنیم.

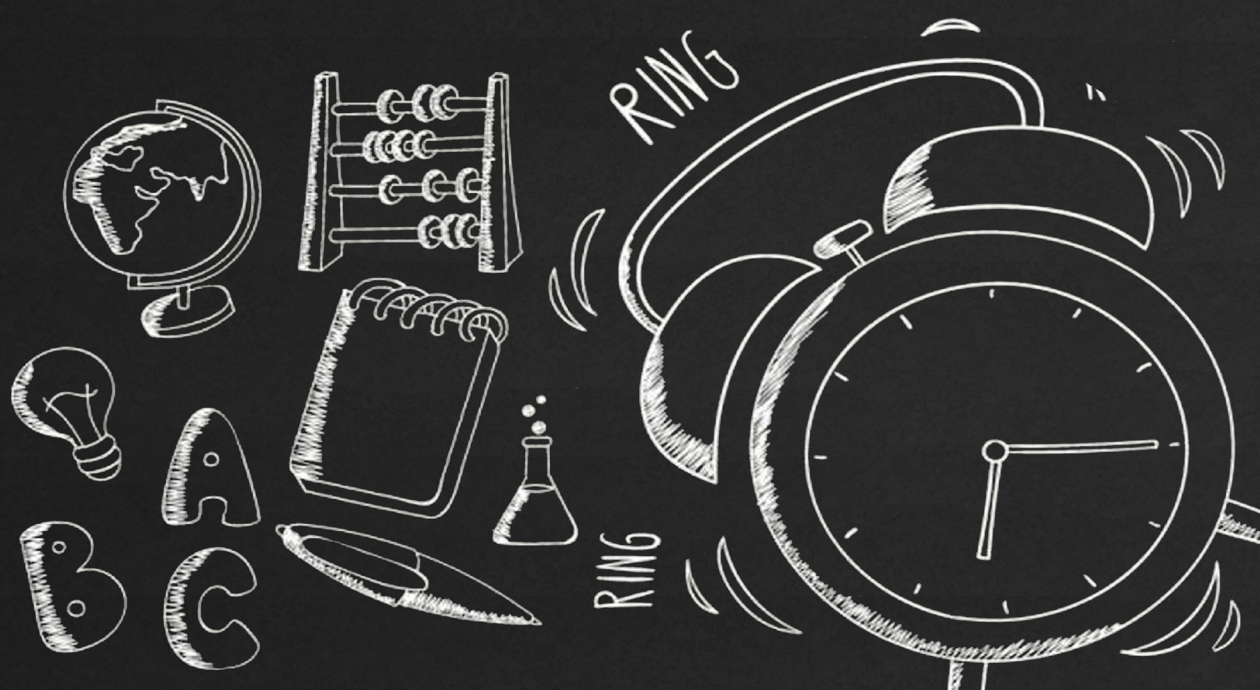
باسمہ تعالیٰ



دانشجو معلم

یا رانت خوار؟!

مطهرہ اشراقی / پردیس فاطمہ الزہرا علیہا السلام



رانت خوارها چه کسانی هستند؟ دانشجو معلمانی که درس ایثار فرا میگیرند؟ آن ها که آینده همان معلم فداکاری هستند که بر روی تخت بیمارستان و خسته از رنج کرونا، درس شاگردان اش را فراموش نکرده و یا معلم عشایری که وسط دشت به دو دانش آموزش درس می دهد؟

پرورش یافته های دانشگاه فرهنگیان؟ قاسم سهرابی و شاید قاسم های فراوانی که در روستاهای مرند و شبستر تدریس می کنند؟ آن هایی که این روزها به دلیل بسته شدن مدارس بیکار ننشسته و خود به در خانه دانش آموزانش می روند؟

بزرگ ترین رانت را به دانشجو معلمان داده ایم!

به راستی رانت در نظر شما این است؟ تفسیر شما از رانت امکانات و امتیازات دانشگاه فرهنگیان است؟ اگر این رانت است، اتفاقاً بهتر! این رانت برای جوانانی باشد که قرار است ۳۰ سال زندگی شان را پای تعلیم و تربیت این کشور بگذارند.

چه کاری برای منزلت اجتماعی معلمین انجام شده است؟

این جوانان با انگیزه و انقلابی عاشقانه ردای معلمی را بر تن کردند؛ در حالی به راحتی می توانستند با رتبه های خوبی که در کنکور آورده اند در دانشگاه های تهران و بهشتی و شریف درس بخوانند... از این دانشگاه ها چشم پوشی کردند و مسیر بزرگ و مقدس معلمی برگزیدند که شما اینگونه آن ها را رانتخوار بنامید؟

چرا به دنبال بی انگیزه کردن و لغزاندن قدم های این جوانانی که با جان و دل پای در عرصه تعلیم و تربیت گذاشتند هستید؟ به راستی چرا؟ لطفا شوق و ذوق معلمان جوان را کور نکنید و دلشان را سرد نکنید. آیا این جوانان که عاشقانه شغل معلمی را برگزیدند حق شان این است؟ دانشگاه فرهنگیان جز برای خدمت به خلق، آموزش می دهد؟ آیا صحبت های مقام معظم رهبری تبیین کننده اهمیت دانشگاه

فرهنگیان نبوده است؟

مقام معظم رهبری: «راجع به مسئله ی دانشگاه فرهنگیان و مسئله ی تربیت معلّم؛ امروز مهم ترین نیاز آموزش و پرورش کشور، معلّم است؛ مهم ترین نیاز، معلّم است. این دانشگاه و دانشگاه شهید رجائی و هر نقطه ای که تربیت معلّم بر آن صدق میکند، بایستی هم کما، هم کیفا توسعه پیدا کند.»^۱ ما از آن روزی که ردای معلمی را بر تن کردیم بر سختی های این کار آشنا بودیم و عاشقانه برگزیدیم و از زیر بار مسئولیت شانه خالی نمیکنیم. این را خوب بدانید جوانان مومن انقلابی دانشگاه فرهنگیان با جان و دل در عرصه تعلیم و تربیت ثابت قدم می مانند.

امام (رضوان الله علیه) فرمودند «معلّمی شغل انبیا است» این فقط یک شعار دل خوش کن نیست؛ این یک حقیقت قرآنی است: وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ

از جمله ی خصوصیات پیامبران، تعلیم است. یعنی شما دارید راهی را حرکت میکنید که برترین انسانهای تاریخ بشریت، آن راه را رفته اند، یعنی پیغمبران^۲.

تأثیر و نقش بی نظیر تعلیم و تربیت عمومی، در پیشرفت کشور، در سعادت کشور، یک مسئله ی فوق العاده مهم است. این جزو واضحات است، اگرچه بعضی متأسفانه این امر بدیهی را درست درک نمیکنند، که آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت عمومی، زیرساخت اصلی سعادت یک ملت و پیشرفت یک کشور و در جمهوری اسلامی، حرکت به سمت آرمانها است.

پاورقی:

۱- بخشی از بیانات مقام معظم رهبری با حضور در دانشگاه فرهنگیان در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۹۷۱

۲- بخشی از بیانات امام خمینی درباره نقش معلم و تعلیم و تربیت در انسان سازی و تأثیر آن بر پیشرفت و توسعه کشور

معلم خرید خدمات، مربار آموزش و پرورش؟!

الهه جعفری / پردیس فاطمه الزهرا علیها السلام

صبر

قناعت

همت

کنجشوی

هنگاری

وقت سبزی

و جهان کاری



خانم صفری یکی از معلمانی است که در فضای مجازی و خصوصاً توئیتر فعالیت دارند. آشنایی من و ایشان هم در همین فضا صورت گرفت. وقتی که از محتوای توئیتهایشان متوجه شدم از معلمین طرح خرید خدمات هستند، تصمیم گرفتم مصاحبه‌ای به صورت مجازی با ایشان داشته باشم. پس از یافتن آیدی تلگرام و صحبت در مورد هدف و نیت مصاحبه، با کمال میل پذیرفتند و قتشان را در اختیار من قرار بدهند تا در مورد این طرح به گفت و گو بنشینیم.

■ لطفاً خودتان را معرفی کنید و بگویید که چند سال

دارید و آخرین مدرک تحصیلی تان چیست؟

من، زینب صفری، سی و هشت ساله، از معلمان طرح خرید خدمات مشهد هستم. کارشناسی علوم تربیتی خواندم و برای کارشناسی ارشد هم همان رشته را ادامه دادم و الآن فوق لیسانس علوم تربیتی دارم.

■ چه شد که به این فکر افتادید که معلمی شغل

خوبی برای شماست؟

من از ابتدا هدفم از تحصیل شاغل شدن نبود؛ اما با گذشت زمان و به توصیه اطرافیانم تصمیم گرفتم که به دنبال کار بگردم و با توجه به مدرک تحصیلی‌ام، یکی از دوستانم که با مدیر یک مدرسه‌ی غیرانتفاعی ارتباط داشت، من را به ایشان ارجاع داد و به این صورت من معلم شدم.

■ در مورد طرح خرید خدمات بگویید. چگونه از

مدرسه غیرانتفاعی وارد این طرح شدید؟

یکی از آشنایانم مرا به موسسه معرفی کرد و با هم قرار داد بستیم.

■ موسسه ملاک خاصی برای جذب شما در مدرسه

داشت؟ سنجش یا مصاحبه‌ی خاصی قبل از ورود

به مدرسه انجام گرفت؟

سنجش یا مصاحبه خاصی که صورت نگرفت. جذب تنها با توجه به مدرک تحصیلی‌ام بود و تماسی که موسسه با مدیر مدرسه‌ی سابقم گرفت و متوجه شد که مدیر کاملاً از من راضی بوده و سابقه‌ام در مدرسه قبلی خوب است.

■ دیگر همکاران شما در مدرسه هم قبلاً معلمی

کرده اند یا اینکه مدرک نسبتاً مرتبطی دارند؟

جواب یکسانی وجود ندارد. بعضی مانند من بوده اند و بعضی با شرایط متفاوتی جذب شده اند؛ اما هستند کسانی که با مدارک کاملاً غیر مرتبط وارد مدرسه شده اند.

■ نظر خود شما در مورد روند جذب معلم و ماجراهای

اخیر در رابطه با استخدام بدون آزمون معلمین

خرید خدمات چیست؟

ما برای معلم شدن ساعت‌ها آموزش ضمن خدمت دیدیم که همگی اجباری بود و هزینه‌اش را نیز خودمان پرداخت کرده‌ایم. این که آموزش و پرورش بخواهد همان روند آزمون‌های استخدامی که برای باقی افراد در نظر می‌گیرد را برای ما اجرا کند، دور ریختن این تجربیات و هزینه‌هاست. درست است که بعضی از معلمان خرید خدمت با مدرک کاملاً غیرمرتبط جذب شده اند و بعضاً صلاحیت معلمی ندارند، اما با این حال باید برای هزینه‌هایی که شده و تجربیاتی که کسب شده، امتیاز ویژه‌ای جهت استخدام در نظر گرفته شود.

■ اگر سخن پایانی یا نکته قابل ذکر دارید که در

سوال‌ها به آن توجه نشده بفرمایید.

ما معلمین طرح خرید خدمات از آموزش و پرورش گلایه داریم؛ علاوه بر وضعیت بد حقوق و بیمه، در دوران مجازی شدن آموزش، همان اینترنت رایگانی که به معلمان استخدام شده و دارای کد پرسنلی تعلق می‌گیرد برای ما فعال نمی‌شود و ما تمام هزینه‌ها را خودمان تقبل می‌کنیم. رفتار دیگران در آموزش و پرورش با ما به گونه‌ای است که انگار موجودی اضافی و سربار آموزش و پرورش هستیم و جایگاه معلمی برایمان لحاظ نمی‌شود، در صورتی که ماندن و معلمی کردن در این شرایط واقعاً فداکاری می‌خواهد و آموزش و پرورش باید تصمیمی در مورد وضعیت ما بگیرد.





آری یا نه

الهه محمدی / پردیس فاطمه الزهرا علیها السلام

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به دعوت امام خمینی (ره) همه‌پرسی حکومت جمهوری اسلامی ایران در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ در سراسر ایران برگزار شد و ۹۸.۲ درصد از واجدین شرکت در همه‌پرسی با دادن رای «آری»، با برقراری حکومت جمهوری اسلامی موافقت کردند و نظام سیاسی کشور پس از ۲۵۰۰ سال از نظام سلطنتی به نظام جمهوری اسلامی و حکومت مردمی تغییر یافت. در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ ثمره‌ی مبارزات ضد سلطنتی و طاغوتی و شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ملت ایران، به بار نشست و نظام جمهوری اسلامی ایران استقرار یافت. برگه رای، دو قسمتی بود و شامل نیمه «آری» (به رنگ سبز) و نیمه «نه» (به رنگ قرمز) بود و روی آن، چنین درج شده بود:

«بسمه تعالی»
دولت موقت انقلاب اسلامی
وزارت کشور
تعرفه انتخابات رفراندم

تغییر رژیم سابق به جمهوری اسلامی که قانون اساسی آن از تصویب ملت خواهد گذشت،» رای دهندگان، می‌بایست بخش موردنظر خود را از برگه جدا می‌کردند و در صندوق رای می‌انداختند. پس از آنکه قرن‌ها، تئوری جدایی دین از سیاست و نظام‌های حکومتی لائیک بر دنیا سیطره داشت و قوانین شرعی، امری خصوصی در زندگی مردم تعبیر می‌شد، نظامی متولد شد که این نظریه‌ها را در قرن بیستم باطل کرد و حکومت اسلامی را بر اساس موازین و آموزه‌های دینی به منصفی ظهور و عمل رساند. جمهوری اسلامی، شکل نوینی از نظام‌های حکومتی است که تلاش می‌کند با الهام گرفتن از قوانین و تعالیم نجات بخش اسلام، الگوی زندگی جدیدی در عرصه اجتماعی و سیاسی بشر امروزی ارائه دهد تا بر اساس آن، نیازهای مادی و معنوی انسان همراه با هم فراهم شود.

از نظام جمهوری به «حکومت مردم بر مردم» تعبیر می‌شود و «جمهوریت» در نظام حکومتی، نشان‌دهنده‌ی نقش مردم در تشکیل و استمرار آن است. به طوری که مردم با حضور در صحنه‌های مختلف علاوه بر مشارکت در تعیین سرنوشت خویش خواسته‌های خود را از حکومت مطالبه می‌کنند. معنی لغوی «جمهوریت» یعنی حکومت بر خواسته از مردم و یا همان دموکراسی. اگرچه این معنا مورد اتفاق اغلب تحلیلگران، سیاستمداران و حاکمان سیاسی است، اما نظام‌های حکومتی در معنی اصطلاحی این واژه دچار اختلاف نظر هستند و از آن برداشت‌های متفاوتی دارند.

در زمان تعیین نظام سیاسی کشور، «جمهوری دموکراتیک»، «جمهوری»، «حکومت اسلامی» و... از جمله نظام‌هایی بود که مطرح شد؛ ولی امام راحل از همان ابتدا تاکید فراوانی بر استقرار نظام حکومتی جمهوری اسلامی داشتند. به طوری که بر جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر، تاکید کردند. این تاکید بر اساس خواست مردم در دوران مبارزات ضد ستم شاهی بود که در شعار آنها موج می‌زد و مردم در همه‌ی تظاهرات یکپارچه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را فریاد می‌کشیدند.

بر این اساس اصل جمهوری بودن و اسلامی بودن، دو اصل جداناپذیر در نظام حکومتی ایران است که تثبیت، استمرار و تداوم آن هزینه‌هایی در برداشته و به این منظور شهیدان زیادی تقدیم شده است. دشمنان این مرز و بوم با طراحی توطئه‌های مختلف از جمله جنگ تحمیلی، ترور شخصیت‌های سیاسی، تحریم اقتصادی و در نهایت ایجاد موانع و دشمنی در دست یابی به فناوری صلح آمیز هسته‌ای، سعی در خدشه دار کردن عزت و استقلال ملت هوشیار ایران داشته که در این راه موفق نبوده و نخواهند بود. ان شاء الله

مدارس غیرانتفاعی، عدالت آزمونی یا سٹکاف طبقاتی؟

میترا کرمی / پردیس فاطمہ الزہرا علیہا السلام



پس از پایان جنگ تحمیلی و هم زمان با شروع دوران سازندگی، قانون تاسیس مدارس غیرانتفاعی در تاریخ سوم خرداد ۱۳۶۷ در مجلس به تصویب رسید. مدارس غیرانتفاعی در شروع کار برای دانش‌آموزانی طراحی شدند که توانمندی‌های کمتری داشتند.

به این ترتیب، با خلوت کردن کلاس‌ها فرصت بیشتری برای تقویت پایه تحصیلی دانش‌آموزان می‌یافتند. اما امروزه شرایط تغییر کرده و این موضوع برعکس شده است. اکنون والدین اگر گمان کنند فرزندشان توانایی زیادی دارند، تلاش می‌کنند او را به مدارس خاص (تیزهوشان، نمونه دولتی و...) یا مدارس غیردولتی بفرستند تا در کلاس‌های معمولاً شلوغ مدارس دولتی، استعداد فرزندشان از بین نرود!

معمولاً مدارس غیردولتی یا همان غیرانتفاعی‌ها دارای برنامه‌های فوق‌العاده و کادر آموزشی مجرب هستند و در ازای هزینه‌های بیشتر نسبت به مدارس دولتی، خدمات با ارزش‌تری ارائه داده و از معلمان باتجربه‌تر استفاده می‌کنند.

منابع مالی این مدارس از طریق شهریه‌های دریافتی از سوی اولیای دانش‌آموزان تأمین می‌شود. این موضوع سبب نادیده گرفته شدن اصل اساسی آموزش و پرورش رایگان می‌شود و همچنین اکثر این مدارس غیرانتفاعی در ایجاد تضاد طبقاتی در حوزه عدالت آموزشی نقش موثر ایفا می‌کنند. به گونه‌ای که با دریافت شهریه‌های بسیار زیاد، محیط ویژه‌ای برای فرزندان طبقه‌ی بالای جامعه مهیا می‌کنند و از این طرق باعث راهیابی آنها به دانشگاه‌ها و سبب برخورداری بهتر و بیشتر آنها از موقعیت‌های اجتماعی در جامعه می‌شوند. در حالی که این مسئله با اصل تساوی در برخورداری از حقوق برای همه افراد ملت و عدالت اجتماعی مغایرت دارد.

استفاده از سرمایه‌گذاران شاید در هر حوزه‌ای عملی شایسته و به جا بوده و موتور توسعه‌ی اقتصادی کشور به شمار رود، اما این نوع نگاه در نظام آموزش و پرورش که تربیت افراد جامعه را در دست دارد، در طولانی مدت زیانبار خواهد بود.

چراکه در این صورت هدف نهایی آموزش و پرورش در کشور که همان تعالی نیروی انسانی است از بین رفته و هدف، فقط پر کردن جیب تعدادی سرمایه‌گذار خواهد بود. این اقدام مدرسه را به یک بنگاه اقتصادی تبدیل، و معادلات ایرانی-اسلامی را در حوزه تعلیم و تربیت جا به جا خواهد کرد.



دست گیری یا حج گیری؟

زهرا رحمانیان / پردیس فاطمه الزهرا علیها السلام



متاسفانه امروزه در سیستم آموزش و پرورش شاهد معلمانی هستیم که به جای تمرکز بر تعلیم و تربیت، بیشتر دنبال مچ گیری از دانش آموزان خود هستند. این مشکل برای چه به وجود می آید؟ چرا باید معلمان این رفتار را از خود نشان دهند؟ ما معلمان باید حواسمان باشد که هدف اصلی ما از انتخاب این شغل مقدس، انتقال دادن داده های خودمان به دانش آموزان است، هدف ما تربیت است نه اینکه مدام در بین دانش آموزان به دنبال خطایی باشیم و سریع آن را بازگو کنیم.

گاهی بال و پر دادن به دانش آموزان کمک می کند از آنان انسان هایی ممتاز بسازیم. مسیر پیشرفت آنان را هموارتر کنیم و یا حتی از بیراهه به راه بکشانیم. این فرصتی است که نباید از آن غافل شد.

اگر به جای تاکید بیش از حد به دانستن پاسخ، بر چگونگی یافتن پاسخ اصرار ورزیم، به جای اصرار بر حفظ مطالب غیر مفید، بر فهمیدن حقایق پافشاری کنیم، دیگر با مشکلی به نام تقلب مواجه نمی شویم. بهتر است به جای تاکید زیاد بر کار فردی، بر کار جمعی تمرکز کنیم تا عمل زشتی مانند تقلب را به فرآیند زیبای همکاری افراد با یک دیگر تبدیل کنیم؛ چون این دو فرآیند از ریشه بسیار به هم نزدیک هستند و به راحتی به هم تبدیل می شوند.

آری دنیای آموزش مانند بقیه ی دنیا ها دچار تحول شده است؛ تحولی که اتفاقا سایر تحولات معلول آن است؛ یعنی به یاری این تحول و استفاده از مزیت های آموزشی دنیای جدید است که هم عمق و هم گستره آموزش افزایش یافته و هم کیفیت آموزشی و هم عدالت آموزشی ارتقا یافته است، به عبارتی یکی از شاخص های توسعه یافتگی با این متغیرها سنجیده می شود. حال که نظام آموزشی در حال پیشرفت است، معلمین هم باید افق دید خود را وسیع تر و گسترده تر کنند تا بتوانند در کلاس محیط بهتری را برای دانش آموزان خود ایجاد کنند.

در واقع نکته کلیدی این است که در رویکردهای نوین تاکید بر فرآیند مستمر یادگیری و یاددهی است و ارزشیابی تحصیلی یا امتحان هم بخشی از این فرآیند است، به عبارت ساده، هدف مچ گیری نیست بلکه هدف یادگیری است.

دانش آموز باید با علاقه و بدون استرس و به طور مستمر مورد ارزیابی قرار گیرد تا هم خود به عنوان یادگیرنده و هم معلم به عنوان یاددهنده از فرصت ارزیابی عملکرد او برای تعمیق و گسترش یادگیری بهره ببرند. با این وجود به نظر می رسد سیستم ارزشیابی عملکرد تحصیلی نیازمند بازنگری جدی و همه جانبه است.

امید است تا معلمان بتوانند دیدگاه خود را تغییر دهند و تمرکز خود را بر روی تعلیم و تربیت قرار دهند تا مچ گیری از دانش آموزان. هدف اصلی معلم یاد دادن است؛ آموختن اندوخته های خویشتن به دانش آموزان.



تادوهرلرؤمی!

زهرا یزدانی / پردیس فاطمه الزهرا علیها السلام

مقام معظم رهبری

سند موسوم به ۲۰۳۰ سازمان یونسکو، به منظور جهانی سازی ملت ها و یکسان سازی فرهنگ ها تحت عنوان «توسعه پایدار» شکل گرفته است.

با وجود آنکه پذیرش تعهدات بین المللی بدون تصویب مجلس بی اعتبار و مخالف نص صریح قانون اساسی است، اما در حالی این سند توسط دولت یازدهم امضا شده که دو نهاد نظارتی مهم، یعنی «شورای عالی انقلاب فرهنگی» و «مجلس شورای اسلامی» از پذیرفتن آن بی اطلاع بوده اند.

با پذیرش این سند، ایران ملزم به ایجاد تغییرات مدنظر یونسکو در نظام آموزشی و فرهنگی کشور، حتی در زمینه کنترل جمعیت و محیط زیست و.. خواهد بود.

در این صورت، این تعارضات فرهنگی و هویتی در نسل های آینده موجب می شود تا آنها با هویت ملی و مذهبی خود بیگانه شوند. تغییر سبک زندگی، تغییرات همه جانبه در تفکر عقیدتی، سیاسی، اخلاقی و حتی قوانین مدنی، تبعات دیگر این سند ننگین است.

از طرفی سند ۲۰۳۰ می تواند عامل نفوذ و ورود سازمان های اصطلاحاً بین المللی به منظور سلطه فرهنگی بر کشورها باشد که به واسطه ی تغییر نظام آموزشی انجام می شود.

نمونه ای از آن این است که ایران با پذیرش سند ۲۰۳۰ ملزم است آمار و اطلاعات مربوط به کودکان، نوجوانان و جوانان خود را به صورت گزارش های مداوم به نهادهای بیگانه اعلام کند.

این سند ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی دارد که با نگاه سکولار و لیبرال به حقوق کودک، آموزش و پرورش، زن و خانواده پرداخته است؛ اغلب عبارات آن به صورت کلی، با الفاظ مثبت بیان شده که لازم به ذکر است بدانیم اینها طبق تعاریف این سازمان هاست و نه طبق تعاریف مرسوم و مدنظر ما.

نمونه های بسیاری از این تعارضات در بندهای این

سند، مشاهده می شوند که بند ۱۰ یکی از آنهاست:

موضوع «برابری جنسیتی با حق آموزش برای همه» مطرح شده که علی الظاهر به معنای حق آموزش برابر دختران و پسران است، اما در واقع معنای آن، آموزش دختران و پسران بدون توجه به تفاوت ویژگی های طبیعی آنها، نقش های متفاوتشان در خانواده، اختلاط در مراکز آموزشی و... می باشد.

یا در بند ۲۰ آمده است: آموزش بر مبنای «تناسب نیازها و نقش های پسران و دختران»، کلیشه های جنسیتی خوانده می شود که باید حذف شود.

و اما چند سوال بی پاسخ که موافقان و مدافعان سند ۲۰۳۰ باید در این خصوص پاسخگو باشند:

اینکه سند ۲۰۳۰ چه نتایجی برای ما دارد؟ با اجرای آن قرار است به چه اهدافی برسیم و چه آورده هایی داشته باشیم؟ چنانچه موافقان می گویند این سند بی خطر و شفاف و منطبق با اسناد بالادستی نظام آموزشی است، چه نکته و مطلب جدیدی در این سند وجود دارد که در اسناد ملی خودمان وجود ندارد؟

یافتن پاسخ پرسش هایی از این قبیل می تواند منجر به شفاف سازی بیشتر در خصوص سند ۲۰۳۰ شود.



صدای دانشجو

زهرا میرزایی / پردیس فاطمه الزهرا علیها السلام



#صدای دانشجو، حاصل جمع بندی نظرات دانشجویان است و از همکاری آنها صمیمانه تشکر می‌کنیم.

هنوز با جریان قبل (که در شماره‌ی قبلی خدمتتان عرض کردم) کنار نیامده بودم که جمعی از دوستان جریان تازه‌ای را برایم بازگو کردند و از قضا، خودم هم گرفتار این بلا شده بودم و یادم رفته بود.

درست خاطر من نیست امتحان درس مورد نظر از چند نمره بود، ولی قضیه‌ی امتحان و شدت سختی و آسانی‌اش اهمیت چندانی نداشت. مشکل اصلی سامانه بود. بله سامانه!

ساعت شروع امتحان ۱ بعد از ظهر بود. برای ورود به جلسه حدود ۱۰ دقیقه معطل شدم. با وجود اینکه در این ساعت، سامانه شلوغ نبود و نباید برای ورود آن قدر متحمل سختی می‌شدم. برخی از دوستان هم مانند من دچار این مشکل شده بودند ولی هرجوری که شده بود خودمان را به امتحان رساندیم و وارد سامانه شدیم.

مهم‌ترین امتحان یک ساعت بود. حدود بیست دقیقه بیشتر نگذشته بود و من نیمی از سوالات را پاسخ داده بودم که سامانه قطع شد.

تعداد زیادی پیام‌ها در گروه‌های درسی و دوستانه، نشان می‌داد که این مشکل، منحصر به شخصِ مشخصی بنده نبوده و همگانی‌ست.

دوستان از هنگ کردن سامانه و نیمه کاره ماندن امتحان و... می‌گفتند و استاد... بله! استاد هیچ جوابی نمی‌دادند!

نمایندگان همه‌ی گروه‌های درگیر، بامسئول فناوری دانشگاه تماس گرفته بودند و پاسخ «مشکل از سامانه است و باید صبر کنید» را دریافت کرده بودند.

پس از گذشت بیست الی بیست و پنج دقیقه انتظار، بالاخره سامانه باز شد و با مشکل جدیدی، ما را شگفت زده کرد. پنج دقیقه بیشتر فرصت برای پاسخگویی به باقی مانده‌ی سوالات نداشتیم.

این بار نمایندگان با استاد تماس گرفتند و استاد هم

با گفتن: «الان نمی‌توانم کاری بکنم؛ حالم خوب نیست» آب پاکی را روی دست دانشجویان در مانده ریختند.

بنده تنها در دو دقیقه‌ی پایانی توانستم به پنج سوال دیگر پاسخ بدهم و صفحه امتحان رأس ساعت ۱۴:۰۰ بسته شد.

تقریباً نیم ساعت از مرگِ سهراب گذشته بود که تازه استاد خبر دادند «زمان را تمدید کردم. به باقی مانده سوالاتتان پاسخ دهید» و نوش دارو را مصرف کنید. و من هنوز که هنوز است نمی‌دانم با کدام وردِ معجزه‌آسا می‌توان با گذشت نیم ساعت از زمانِ پایان امتحان، دوباره وارد صفحه امتحان شد. انصافاً اگر شما می‌دانید، به ما هم بگویید.





بسیج دانشجویی پردیس فاطمه الزهرا علیها السلام اصفهان